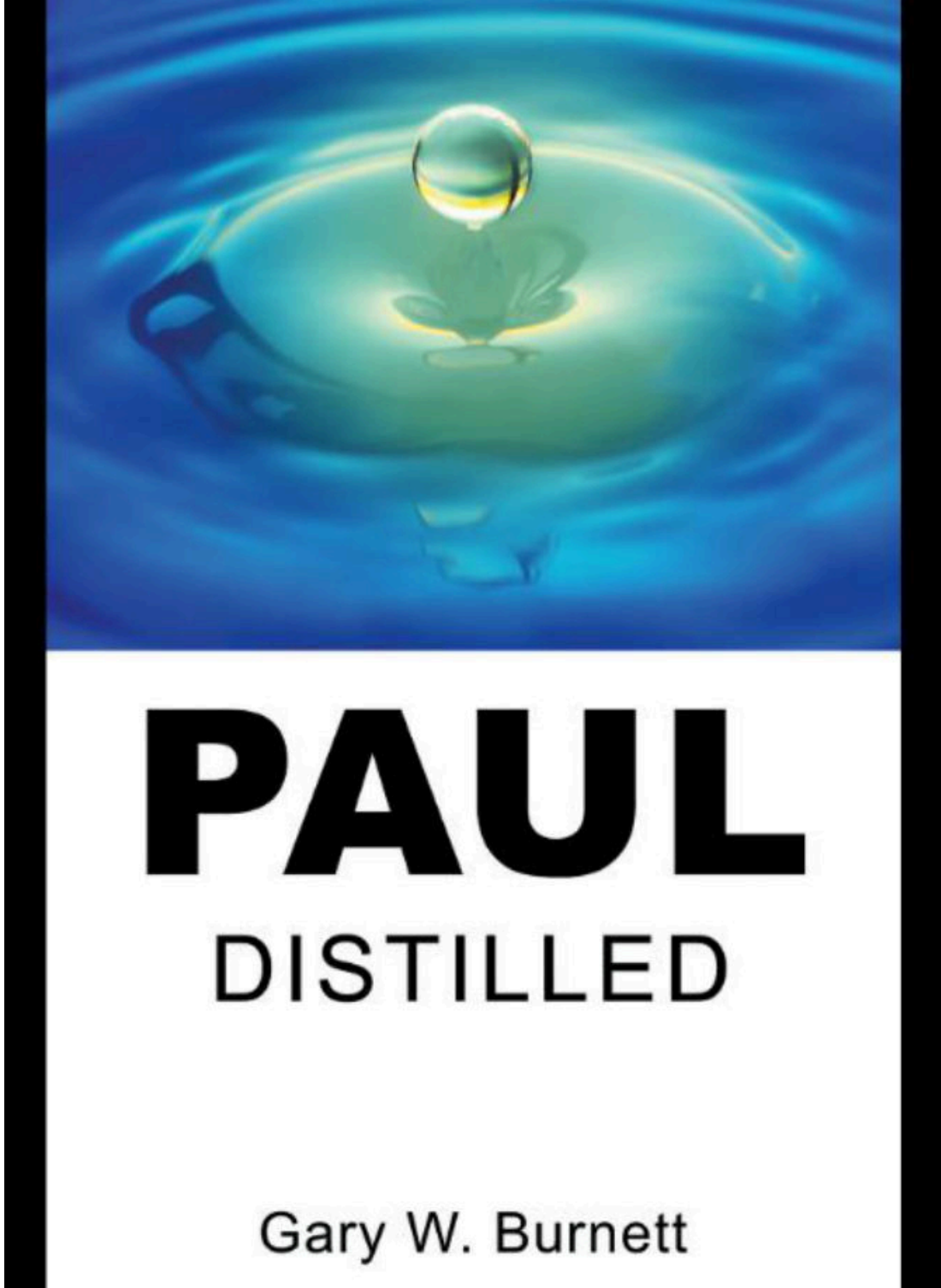


Paul Distilled by Garry W. Burnett

پولیس عصاره‌گیری‌شده (خدمت و پیام او به اختصار)

برنت (Burnett) استاد الهیات در بلفاست بود.



در اینجا او کتابش را معرفی می‌کند:

در اینجا برای هر فصل خلاصه‌ای کوتاه و درخور توصیه هست: [Fitzroy Sunday Nights - YouTube](#)

مقدمه

فصل 1: محبت خدا که جهان را دگرگون می‌کند

فصل 2: محبت یک فعل است

فصل 3: انجیل

فصل 4: خدای مصلوب

فصل 5: رستاخیز آغاز شده است

فصل 6: روح حیات بخش

فصل 7: عیسی، یگانه خداوند حقیقی جهان

فصل 8: عدالت خدا در جهان بودن

فصل 9: صلح‌جویی ریشه‌ای

فصل 10: فقیران را به یاد داشته باشید

فصل 11: پادزهر ترس

فصل 12: پولس و زنان به‌عنوان رهبر

فصل 13: با هم جهان را دگرگون کردن

فصل 14: همه چیز را دوباره به خانه آوردن

پولس و زنان به‌عنوان رهبر

زنان در قرن اول

برای پولس اهمیتی بسیار داشت که خبر خوش عیسی، مسیح موعود، برای همه انسان‌هاست. هدیه حیات از سوی خدا، یعنی آفرینش تازه، بی‌تبعیض بود و همه موانع انسانی را درهم می‌شکست. جهان پولس بسیار سلسله‌مراتبی بود، و او وقتی جماعت‌هایی از پیروان عیسی بنیان نهاد، می‌بایست اطمینان می‌یافت که آنان اثر کامل انجیل را درک می‌کنند. او به آنان گفت که همه انسان‌ها در مسیح برابرند. از این رو این جماعت‌ها دیگر نمی‌توانستند تمایزهایی را تحمل کنند که بر تعلق قومی - اینکه کسی یهودی بود یا غیریهودی -، بر جایگاه اجتماعی و اقتصادی - اینکه کسی برده بود یا آزاد - یا بر جنسیت - اینکه کسی مرد بود یا زن - استوار بود. در جهان پولس، هم در زادگاهش، یعنی یهودیت، و هم به‌طور کلی در فرهنگ یونانی قرن اول، زنان شهروندان درجه دوم بودند. زن‌ستیزی گسترده بود. نمایش‌نامه‌نویسان و فیلسوفان آشکارا زنان را خوار می‌شمردند - اورپید (Euripides) آنان را «این آفریده تباهی» می‌نامید، در حالی که ارسطو زن را «مردی ناقص‌الخلقه» می‌دانست. هرچند استثناهایی وجود داشت، اما به‌طور کلی با زنان

همچون دارایی شوهرشان رفتار می‌شد، آموزش رسمی نمی‌دیدند و روی هم‌رفته همچون اشخاصی کامل با آنان رفتار نمی‌شد.

در سنت یهودی، زن عموماً کم‌ارزش شمرده می‌شد. یوسفوس (Josephus)، تاریخ‌نگار یهودی قرن اول، می‌گفت زن «در همه چیز از مرد فروتر است»، و فیلون (Philo)، فیلسوف یهودی، بر این نظر بود که زنان «به حکم طبیعت ناقص و فاسدند»، نامعقول‌اند و «در شرف با مرد برابر نیستند». بن‌سیرا (Sirach) در قرن دوم گفت که «زنان مایه ننگ‌اند»، و در «وصیت‌نامه رئوبین» آشکارا آمده است که «زنان بدکارند». در کنیسه‌های یهودی آن روزگار، زنان تنها می‌بایست گوش دهند و اجازه سخن گفتن نداشتند؛ آنان شرکت‌کنندگان کامل در جماعت شمرده نمی‌شدند. جهانی مردانه بود.

پولس و زنان

امروز اغلب چنین برداشتی وجود دارد که پولس در مورد زنان چندان تفاوتی با فرهنگی که در آن می‌زیست نداشت. برخی بر این باورند که دیدگاه پولس درباره زنان به کلی کهنه است و برای جهان امروز، که همه ما می‌دانیم در آن مردان و زنان حقوق برابر دارند، دیگر موضوعیتی ندارد. باید پولس را فراموش کنیم. او به سادگی جنسیت‌گراست، شاید حتی زن‌ستیز. برای دیگران، پولس دلیلی است بر اینکه تنها مردان باید معلمان و رهبران کلیسا باشند. فرقه‌هایی کامل هنوز هم امروز زنان را از رهبری کنار می‌گذارند. برای برخی، مردان و زنان تنها مکمل یکدیگرند و نه هم‌ارزش، و مردان کسانی‌اند که باید در ازدواج و در کلیسا اقتدار داشته باشند. اما هر دو برداشت از پولس آنچه را در نامه‌هایش می‌خوانیم نادرست تفسیر می‌کنند و جهان قرن اول را بد می‌فهمند. خواندن دقیق نامه‌های پولس ما را به نتیجه‌ای کاملاً دیگر می‌رساند. برای پولس، زنان و مردان به یکدیگر وابسته‌اند (اول قرنتیان 11:11)، باید تسلیم یکدیگر باشند (افسسیان 5:21) و در روابط جنسی درون ازدواج حقوق برابر دارند (اول قرنتیان 7:3). برای پولس همه عطایای روح در دسترس همه بود، صرف‌نظر از جنسیت، و هر کس، چه زن و چه مرد، باید در پی عطایای روحانی باشد، به‌ویژه نبوت. همه پیروان عیسی، زنان و مردان، به یکسان «در مسیح» بودند و به صورت مسیح دگرگون می‌شدند (دوم قرنتیان 3:18).

افزون بر این، روشن است که پولس زنان را به‌عنوان رهبر در خدمت می‌پذیرفت. زنان برای او، همچون مردان، همکارانی قابل‌اعتماد و هم‌پایه بودند. او زنان را «همکاران»، «هم‌زمانی در کنار خود در انجیل» و «همراهانی راستین» می‌نامد. وقتی می‌بینیم پولس این عنوان‌ها را برای زنان به کار می‌برد، همچنین «شماس زن»، «رهبر»، «همکار در مسیح عیسی» و، چنان‌که به زودی خواهیم دید، «رسول»، تصویری از پولس پدید می‌آید که در تضادی آشکار با جهانی است که در آن می‌زیست، و نیز با شیوه‌ای که امروز اغلب نشان داده می‌شود. کسانی که می‌خواهند نقش زن را در کلیسا عقب برانند، معمولاً به دو آیه در اول قرنتیان و اول تیموتائوس اشاره می‌کنند. هرچند مهم است که این آیات را در نظر بگیریم، اما وقتی درباره پولس می‌اندیشیم، آن‌ها به‌راستی نقطه آغاز درستی نیستند.

عهد عتیق و عیسی

مهم است به یاد داشته باشیم که پولس یهودی بود و نوشته‌های مقدس یهودی خود را خوب می‌شناخت؛ نوشته‌هایی که در آن‌ها شخصیت‌های رهبری شگفت‌انگیزی از زنان می‌یابیم، چون مریم، رهبر نبوتی و رهبر موسیقی اسرائیل؛ دُبوره، نبیۀ دیگری که سرزمینش را در زمان داوران با کامیابی بسیار رهبری کرد؛ و خُلدۀ،

که یوشیای پادشاه او را بر همه انبیای مرد برتری داد. هیچیک از آنان، و نیز هیچیک از ملکه‌های تاج‌دار اسرائیل، هرگز به سبب نقش رهبری‌شان از آن رو که زن بودند نکوهش نشدند. سپس بشارت‌دهنده زن را در اشعیا 40:9 داریم، که خبر خوش آمدن پادشاهی یهوه را اعلام می‌کند. زبان عبری در اینجا واعظ را به روشنی زن معرفی می‌کند، چیزی که در بیشتر ترجمه‌های آلمانی ما از دست می‌رود. در مزمور 68:11 واعظان زن دیگری در صدر قرار دارند: «خداوند کلام را اعلام می‌کند، و زنانی که آن را اعلام می‌کنند، گروهی عظیم‌اند». و البته نباید پیشگویی یوئیل نبی را فراموش کنیم که خدا روح را خواهد ریخت، چنان‌که «دختران و پسران شما نبوت خواهند کرد» - که چنان‌که می‌دانیم پطرس آن را در موعظه روز پنتیکاست برگرفت، وقتی برای جمعیت توضیح داد که چه روی می‌دهد. و اینکه چگونه مزامیر، اشعیا، هوشع و تثیبه خدا را همچون مادر توصیف می‌کنند. پولس، با وجود ارزیابی منفی هم‌روزگاران‌ش از زنان، کتاب مقدس خود را می‌شناخت و به‌خوبی از سنت نیرومند رهبران، انبیا و واعظان زن که میراث او بود آگاه بود.

و او نزد غمالائیل تعلیم یافته بود، که نسل خودش و نسل‌های بعد او را بسیار گرمی می‌داشتند. تا آنجا که می‌دانیم، غمالائیل با دیگر ربی‌های یهودیت فریسی، که نظری بسیار پست درباره زنان داشتند، تفاوت داشت. غمالائیل در گفته‌هایش، که در میثنا حفظ شده‌اند، زنان را تأیید می‌کند، با آنان برابر با مردان رفتار می‌کند، به بهروزی‌شان یاری می‌رساند و هرگز با تحقیر درباره آنان سخن نمی‌گوید - درست برخلاف دیگر معلمان ربی‌ای که، چنان‌که دیدیم، آشکارا زن‌ستیز بودند. پولس همچنین نمونه عیسی را پیش چشم داشت، که برخلاف دیگر معلمان روزگارش به زنان اجازه داد نزد پاهایش بنشینند و بیاموزند. عیسی پیروان زن را خوشامد می‌گفت، و دیدارهایی با زنانی چون زن سامری بر سر چاه، که در آن چندین عرف اجتماعی را شکست، گواه پذیرش مثبت او نسبت به زنان است. زنان بی‌شماری بودند که دستان شفابخش او لمسشان کرد، از جمله بسیاری که از نظر آیینی ناپاک شمرده می‌شدند. افزون بر این، عیسی پس از رستاخیزش نخست بر مریم مجدلیه ظاهر شد و بدین‌سان نشان داد که شهادت یک زن را محترم می‌شمارد، برخلاف فرهنگی که در آن زمان عموماً حاکم بود. و نویسندگان انجیل‌ها آماده بودند زنان را نخستین شاهدان رستاخیز معرفی کنند، هرچند سخن یک زن در دادگاه عموماً پذیرفتنی نبود.

بی‌گمان همه این‌ها در شیوه اندیشیدن پولس درباره زنان سهم داشت. آنچه درباره پولس در کتاب اعمال رسولان و در نامه‌هایش می‌خوانیم، پولسی را آشکار می‌کند که در تأیید زنان برخلاف جریان فرهنگ و ریشه‌ای بود. برای پولس، مردان و زنان به یکسان در مسیح نجات یافته بودند، در بدن مسیح یکی بودند، به یکسان کاهنان پادشاهی خدا بودند، روح به یکسان بر آنان ریخته شده بود، و هر دو می‌بایست با فروتنی و محبت به یکدیگر و به جهان خدمت کنند. خطوط اصلی الهیات او درباره برابری زنان و مردان در کلیسا گویای بسیار است. و به اول تسالونیکیان 2:7 ببندیشید، جایی که پولس خود را همچون مادری شیرده نشان می‌دهد. این آن چیزی نیست که انتظار می‌رفت، اگر پولس همان مردسالار متعصب معمولی بود که از خود شکننده مردانه‌اش پاسداری می‌کند!

بیا بید با رومیان 16 آغاز کنیم

برای اینکه دریابیم پولس درباره زنان در جایگاه‌های رهبری چه می‌اندیشید، باید از نامه بزرگ او به رومیان آغاز کنیم. و باید فصل 16 را بگشاییم. گمان می‌کنم بیشتر ما این فصل را سرسری خوانده‌ایم - به نظر می‌رسد تنها مجموعه‌ای از نام‌ها باشد، نام کسانی که پولس به آنان سلام می‌رساند. اما این در واقع فصلی بسیار جالب است. پولس هرگز در روم نبوده بود. در این نامه، که در آن می‌خواهد پشتیبانی رومیان

را برای مأموریت برنامه‌ریزی شده‌اش در اسپانیا جلب کند، با دقت به رهبران کلیساهای خانگی روم سلام می‌رساند. کلیسای روم جماعتی بزرگ نبود، بلکه مجموعه‌ای از گروه‌های کوچک بود که در خانه‌های مردم، اغلب در آپارتمان‌های اجاره‌ای تنگ، گرد هم می‌آمدند. از نام‌های فصل 16 می‌توانیم بسیار چیزها دریابیم - برخی نام بردگان‌اند، برخی نام‌های یهودی و برخی نام‌های غیریهودی. و برخی از آن‌ها نام زنان‌اند. کسانی چون پرسکا، تریفینا، تریفوسا، مریم، پرسیس و یولیه. همگی رهبران یا هم‌رهبران جماعت‌های کوچکی از ایمان‌داران در روم. در واقع بیش از دو سوم از همکارانی که پولس در اینجا به سبب خدمت مسیحی‌شان می‌ستاید، زنان‌اند. اما سه زن به‌ویژه برجسته‌اند.

فیپی

نخست: فیپی، که پولس درباره‌ی او می‌گوید خادمه یا شماس زن کلیسای کنخریه است. برخی ترجمه‌ها «شماس زن» (Diakonin) را برگزیده‌اند، اما در یونانی چنین واژه‌ای وجود ندارد. اگر به شیوه‌ای بنگریم که پولس این واژه را در جاهای دیگر به کار می‌برد، به‌راستی جای هیچ تردیدی نمی‌ماند که فیپی یکی از رهبران کلیسا در قرنتس است، جایی که پولس هنگام نوشتن نامه در آن بود. اگر به زبان و کلماتی که پولس در آیات 1 و 2 به کار می‌برد دقیق بنگریم، آنگاه فیپی، بنا بر همه‌ی آنچه درباره‌ی نامه‌های آن روزگار می‌دانیم، شخصی صاحب‌اعتبار است، و رهبری در کلیسای قرنتس است که رساندن نامه‌ی بسیار مهم پولس به روم به او سپرده شده است.

در آن زمان رسم بر این بود که کسی که نامه را می‌رساند، آن را می‌خواند و برای گیرندگان شرح می‌داد. آیا این جالب نیست؟ نامه‌ی پولس به رومیان برای او اهمیتی عظیم داشت - او در آنجا نبوده بود، اما می‌خواست پشتیبانی این مسیحیان را جلب کند تا خبر خوش را به غرب امپراتوری ببرد، و از این رو در شرح فهمش از انجیل بسیار دقیق است. نامه‌اش را به چه کسی می‌سپارد؟ به فیپی، این زن رهبر، که آن را به روم می‌برد. ماجرا جالب‌تر هم می‌شود - زیرا محتمل است که فیپی، وقتی به روم رسید، بنا بر رسم معمول به کلیساهای خانگی گوناگون سر زد و نامه را خواند (به یاد داشته باشید که مردم به سبب دشواری‌های خواندن و نوشتن، نامه را بیشتر می‌شنیدند تا بخوانند) و سپس با گروه‌ها نشست تا اطمینان یابد که منظور پولس را فهمیده‌اند.

می‌توانیم تصور کنیم که پولس در قرنتس با فیپی نشست، نامه را با او مرور کرد و به او گفت که می‌خواهد آن را چگونه بخواند، بر چه چیزی می‌خواهد تأکید کند و کدام بخش‌ها را احتمالاً باید توضیح دهد. پس فیپی - رهبر کلیسایی که رسول شرح دادن و تعلیم دادن نامه‌اش به رومیان را به او سپرد - به هیچ روی با آنچه درباره‌ی پولس و رهبران و معلمان زن شنیده‌ایم جور در نمی‌آید.

پرسکا

پرسکا، یا پریسکیلا، چنان‌که لوقا او را در اعمال رسولان می‌نامد، کسی بود که پولس همراه با شوهرش اکیلا با او در انجیل کار می‌کرد. از 6 باری که نام پرسکا آمده است، چهار بار پیش از نام شوهرش ذکر شده است، که در فرهنگ یونانی و عبری غیرمعمول بود و به نقش مهم، و شاید حتی مهم‌تر او در خدمت این زوج اشاره داشت. هر دو - و البته پرسکا نیز - از سوی لوقا به‌عنوان معلمان اپولس برجسته شده‌اند، که شخصیتی مهم در میان نخستین پیروان عیسی شد. پس از کتاب اعمال رسولان از پیش می‌دانیم که پرسکا رهبر کلیسا و معلمی بود که مردان را تعلیم می‌داد. در زمانی که پولس رساله‌ی رومیان را نوشت، آن دو در

روم ساکن شده بودند و یک کلیسای خانگی را رهبری می‌کردند. پولس به گرمی به آنان سلام می‌رساند و باز نام پرسکا را نخست می‌آورد.

یونیا

اما سپس یونیا هست، که در آیه 7 ظاهر می‌شود. به آندرونیکوس و یونیا، خویشان من که با من در زندان بودند، سلام برسانید؛ آنان در میان رسولان نامدارند، و پیش از من در مسیح بودند. نسخه قدیمی‌تر New International Version و برخی ترجمه‌ها نام را در اینجا یونیاس (Junias) آورده‌اند، که نشان می‌دهد سخن از یک مرد است، اما نام یونیا (Junia) است، نامی زنانه و لاتینی که به بردگان یا زنان آزاد شده داده می‌شد. در ادبیات آن روزگار نمونه‌های بسیاری از این نام زنانه هست، اما حتی یک نمونه هم برای نام مردانه یونیاس وجود ندارد. خوشبختانه دیگر بر سر معنای این نام اختلافی نیست، و در New International Version جدید اکنون یونیا آمده است. یونیا زن بود، احتمالاً همسر آندرونیکوس. دلیل اینکه در گذشته کوشیدند از یونیا مردی بسازند، کلمات بعدی است که در آن پولس می‌گوید این زوج «در میان رسولان نامدار بودند». در کلیسایی که مردان بر آن چیره بودند، این تصور که زنی بتواند رسول باشد، جور در نمی‌آمد. شگفت آنکه، اگر به تاریخ بنگریم، دانشمندان مرد متن یونانی را به معنای واقعی کلمه تغییر داده‌اند تا از نامی آشکارا زنانه، نامی مردانه، یعنی یونیاس، بسازند. ارزش دارد اندکی از این تاریخ را بدانیم.

پژوهشگران کتاب مقدس متنی تلفیقی از عهد جدید یونانی را به کار می‌برند - روایتی که پس از بررسی هزاران دست‌نوشته کهن، به احتمال زیاد نوشته اصلی را بازمی‌تاباند. در متن‌های تلفیقی عهد جدید یونانی، از دوران اصلاحات دینی تا ویراست نستله (Nestle) از عهد جدید یونانی در سال 1927، یونیا در رومیان 16 زن بود. اما سپس نستله تصمیم گرفت که این نام باید مردانه باشد، و بدین‌سان ناگهان «یونیاس» پدیدار شد و یونیا به پانویسی بدل شد. پنجاه سال بعد، متن یونانی‌ای که پژوهشگران گرد آورده بودند، حتی آن پانویس را هم حذف کرد. تنها در دهه 1990 اصلاح صورت گرفت و روشن شد آنچه همه دست‌نوشته‌های یونانی نخستین و پژوهشگران می‌دانستند: یونیا زن بود.

اما با آنکه امروز همه در این باره هم‌داستان‌اند، کسانی بودند که آنچه پولس در این آیه به راستی می‌گوید - اینکه یونیا، یک زن، رسول بود - چنان برایشان ناخوشایند بود که کوشیدند «برجسته در میان رسولان» را به «نزد رسولان به‌خوبی شناخته‌شده» تغییر دهند. برای نمونه، در English Standard Version چنین است.

اما برای همه پدران نخستین کلیسا، که یونانی سخن می‌گفتند و به‌خوبی می‌دانستند یک واژه را چگونه باید ترجمه کرد، «نامدار در میان رسولان» معنای این عبارت بود!

این است آنچه یوحنا زین‌دهان (Chrysostomus) در قرن چهارم گفت:

رسول بودن به‌تنهایی امری بزرگ است، اما در میان آنان برجسته بودن - بیندیشید که این چه ستایش شگفت‌انگیزی است. احترام به کسی که سزاوار احترام است! حکمت این زن چه بزرگ بود که حتی سزاوار شمرده شد عنوان رسول را داشته باشد.

یونیا زن بود، و رسول بود، رهبری نامدار در کلیسای روزگار پولس.

پس اگر چنین است، همراه با فیبی، پرسکا و دیگر رهبران زن کلیسا در رومیان 16، نتیجه‌گیری ناگزیر است - زنان در نخستین گروه‌های مسیحی، همچون مردان، در رهبری و تعلیم نقشی کامل داشتند. از آنجا که چنین

است، همه متن‌های دیگری که در نگاه نخست گمان می‌کنیم با رومیان 16 در تضادند، باید در پرتو این متن نگریسته شوند. این، همراه با شهادت کتاب اعمال رسولان، جای درستی برای آغاز است.

متن‌های دیگر

آنگاه آن دو متنی که پیش‌تر از رساله اول قرن‌تین و رساله اول تیموتائوس یاد شد، همچون موارد استثنایی و دورافتاده جلوه می‌کنند، و درباره پیش‌زمینه این آیات بسیار می‌توان گفت که ما را از این بازمی‌دارد که آنچه پولس در اینجا می‌گوید، همگانی و معتبر برای همه اعلام کنیم. برای مسیحیانی که به کتاب مقدس ایمان دارند، غیرعادی است که تنها بر پایه دو آیه نظری الهیاتی بسازند، بی‌آنکه شهادت نیرومند باقی عهد جدید را در نظر بگیرند. اما متأسفانه دقیقاً همین اتفاق افتاده است.

اگر می‌خواهید بیشتر به این موضوع بپردازید، مفصل‌ترین بررسی این دو متن را در کتاب فیلیپ پین (Philip Payne)، *Mann und Frau: Eins in Christus* [مرد و زن: یکی در مسیح]، می‌یابید. به طور خلاصه، پین در بررسی دقیق خود از متن به این نتیجه می‌رسد که اول تیموتائوس 2:8-15 را باید با توجه به قصد پولس خواند، یعنی مقابله با تعلیم نادرستی که برخی از زنان افسس را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود؛ زنانی که می‌بایست فعالیت‌هایشان در گسترش این تعلیم مهار می‌شد. هیچ چیز در این بخش از «منعی کلی برای زنان از تعلیم دادن یا اعمال اقتدار بر مردان» پشتیبانی نمی‌کند، و نیز از این دیدگاه که «زنان ذاتاً برای تعلیم دادن یا اعمال اقتدار بر مردان در امور روحانی یا امور دیگر صلاحیت ندارند». به گفته او، همچنین «پولس این منع خاص را به همه کلیساها و همه زمان‌ها تعمیم نمی‌دهد».

بررسی او از اول قرن‌تین 14:34-35 حتی دقیق‌تر است، و او همراه با دیگر پژوهشگران محافظه‌کار، بر پایه شواهدی در دست‌نوشته‌های کهن یونانی، به این نتیجه می‌رسد که این آیات احتمالاً افزوده‌ای از سوی کاتبان (نسخه‌برداران) دیگر است و احتمالاً بخشی از نامه اصلی پولس نبوده است.

پس دلایل بسیار خوبی هست که این دو متن را هنجاری، یا به هر شکلی نمایانگر آنچه پولس درباره زنان به‌عنوان معلم و رهبر در کلیسا می‌اندیشید، ندانیم.

زنان در رهبری

جاهای دیگری نیز در نامه‌های پولس هست که اگر بخواهیم تصویری جامع‌تر از اندیشه پولس درباره زنان در کلیسا و در روابط خانوادگی به دست آوریم، باید بررسی شوند. ما تنها می‌خواستیم دیدگاه مردسالار غالب در کلیسا را اصلاح کنیم، دیدگاهی که آنچه را پولس درباره زنان در خدمت، در تعلیم و در رهبری می‌گوید، تحریف کرده است. وقتی همه آنچه پولس درباره این موضوع می‌گوید خوانده می‌شود، باید حتماً به بخش رومیان 16 توجه کرد. همچنین مهم است که اول قرن‌تین 11 توجه کنیم، جایی که پولس فرض را بر این می‌گذارد که زنان مجازند در کلیسا آشکارا نبوت کنند.

کم‌کم چنین به نظر می‌رسد که پولس بدنام شده است. چنین به نظر می‌رسد که زنان در طول قرن‌ها سخت در تنگنا قرار گرفته‌اند و کلیسای مسیحی با اجازه ندادن به زنان برای پیروی از دعوت به خدمت مسیحی، چیزهای بسیاری را از دست داده است.

این لکه ننگی در تاریخ کلیساست. مدت‌هاست وقت آن رسیده که هر کلیسا، فرقه و گروه مسیحی اطمینان یابد که زنان امکان می‌یابند نقش خود را به‌عنوان خادمان فیض خدا، کلام و شبانی جان‌ها به‌تمامی ایفا

کنند.

باید سخنان پولس را جدی بگیریم: برای او نه برده بود و نه آزاد، نه یهودی و نه یونانی، نه مرد و نه زن - همه ما در مسیح یکی هستیم. تمایز میان مرد و زن، و نیز دو تقسیم‌بندی دیگری که پولس در اینجا ذکر می‌کند، در بدن مسیح برداشته شده است.

این تنها اشاره‌ای به این واقعیت نیست که جایگاه روحانی زنان و مردان در برابر خدا یکسان است - سخن پولس «زیرا همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید» در غلاطیان 3:28 بر واقعیت اجتماعی جماعت مسیحی اثر دارد. در آیه‌ای موازی در کولسیان 3:11، از آیات پیش و پس از آن روشن می‌شود که پولس غلبه بر این‌گونه تفرقه‌ها را اثری عملی بر زندگی جمعی کلیسا می‌داند.

و این ما را به موضوعات بزرگ انجیل باز می‌گرداند که درباره آن‌ها اندیشیده‌ایم. خدا در عیسی آمده است تا جهان خود را نجات دهد و نو سازد، و ما را انسان‌هایی کامل گرداند. این بدان معناست که میان ما هیچ تفاوت اجتماعی، طبقاتی یا کاستی وجود ندارد. هیچ جدایی قومی یا نژادی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا هر یک از ما که مسیح نجاتش داده است، آزاد است که خدا را چنان‌که ما را فراخوانده است دوست بدارد و خدمت کند. و درست همین درباره زنان و مردان نیز صادق است.

پولس قاطعانه با هر رویکردی مخالفت می‌کرد که زنان را خوار می‌شمارد، با آنان تبعیض‌آمیز رفتار می‌کند و می‌گوید که نمی‌توان این یا آن کار را در کلیسا انجام داد. این تا این حد بخشی از نظم کهنه است. آفرینشی تازه هست.

ما با فروتنی با هم، زن و مرد، مسیح خداوند را خدمت می‌کنیم، آنگاه که خدا به ما فیض و نیرو می‌بخشد.

تأمل

شما چه تجربه‌ای از نحوه رفتار با زنان در کلیساهایی داشته‌اید که با آن‌ها سروکار داشته‌اید؟ آیا داستان یونیا در رومیان 16 شما را شگفت‌زده می‌کند؟ اینکه پولس یونیا را از رسولان می‌شمارد، چه پیامدهایی دارد؟ آیا فکر می‌کنید آنچه در اعمال رسولان و رومیان 16 درباره زنان در مناصب رهبری آمده است، باید تأثیرگذارتر از متن‌های اول قرن‌تین 14 و اول تیموتائوس 2 باشد؟

کلیساهای چگونه می‌توانند توازن میان زنان و مردان را در رهبری بازگردانند؟

Burnett, Gary W.. Paul Distilled, Wipf & Stock. نسخهٔ کیندل (Kindle).

ترجمهٔ آلمانی: Hans-Jörg Ronsdorf، با اجازهٔ مهربانانه و با بهره‌گیری از www.deepl.com

22 آوریل 2022